

## ناتوانی ها، سردرگمی ها و توطئه ها در افغانستان

آنگاه که فهرست نامزد های کرسی ریاست جمهوری، به منظور به راه اندازی سومین دور انتخابات عمومی در اوایل سال گذشته اعلام گردید، طی صحبت هایی از طریق امواج رادیو (گذرگاه)، با صراحت گفتیم که فهرست اعلام شده و برنامه پیشبرد پروسه انتخابات، طوری مهندسی شده که جز عده یی گماشته شده و مورد تأیید مافیای قدرت و مکنت (وطبعاً اربابان خارجی آنها)، هیچ یک از فرزندان با درایت، وطنپرست و با تدبیر افغانستان، شانس و فرصت سهمگیری در چنین پروسه مهم ملی را نداشته باشد. چنانکه گذشت زمان و جریانات بعدی در کشور، به گفته های قبلی ما مهر تأیید زد. باز، در همان اوایل گفتیم که هیچ یک از افراد شامل فهرست انتخاباتی، در صورت پیروزی و اشغال این کرسی، به درد مردم افغانستان نه خواهند خورد و آنها هرگز توان و لیافت نجات کشتی شکسته، ابتر و سرگردان افغانستان از درون توفان و تلاطم گیج کننده را نخواهند داشت. این پیشبینی ما نیز اینک، از ششماه بدین سو، قدم به قدم و روز تا روز به اثبات میرسد.

زمانیکه حکومت به اصطلاح وحدت ملی تشکیل گردید، باز هم با صحبت های رادیویی، تلویزیونی و نگارش مطالب تحلیلی - انتقادی صریحاً گفتیم که نه حکومت اعلام شده بیانگر وحدت ملی واقعی است و نه هم در دراز مدت به لحاظ عدم تجانس و عدم صداقت جانبین، دوام خواهد آورد.

حال، چنانکه گزارشهای رسمی پیوسته از داخل کشور به بیرون موصلت مینماید، وضعیت سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان، بخصوص ظرف هفته ها و ماه های

اخیرکه به اصطلاح دو پادشاه در یک اقلیم بر اورنگ حکمفرمایی نشسته اند، وخیم تر، آشفته تر و شکننده تر از قبل گشته است. هرگاه از سایر مشکلات و نگرانی های عامه یک لحظه بگذریم، افغانستان همین اکنون دچار بلا های عمده و چند گانه آتی میباشد :

اول) تداوم انفجارهای خونین انتحاری در داخل شهر ها و تجمعات شهروندان کشور

دوم ) اختطاف مسافران بی سلاح و بی پناه از مسیر شاهراه ها و راه های مواصلاتی

سوم) حملات گروهی و بیرحمانه طالبان و داعشیان بالای قرارگاه های نظامی در ولایات و سر بریدن های وحشیانه جوانان اردوی افغانستان

چهارم) اختلاف های مزمن میان دو " پادشاه " یا دو رهبر قدرت طلب و تداوم توطئه های منطقه یی وجهانی علیه بقا و امنیت مردم افغانستان .

با هزار تأسف باید گفت که گویا تصمیم توطئه گران خارجی و سازشکاران داخلی چنین بوده است که این سرزمین و این ملت در بند، هرگز روی خوشی و آرامش را نبینند. روی همین دلیل است که در هر شب و روزیکه سپری میشود، خونریزی پشت خونریزی و رسوایی پشت رسوایی صورت میگیرد و امیدوارترین انسانهای کشور ما را به سوی نگرانی و نا امید ی میکشاند. چنانکه ظرف چند هفته اخیر، دوشیزه جوانی به بهانه قرآن سوزی، در قلب شهر کابل به آتش کشانیده میشود، ملاهای جاهل پیشه منبر نشین و غالباً صادر شده از ماورای مرزها، دست به تبلیغات دامنه دار ارتجاعی ضد علم و فرهنگ میزنند، چندین نفر از هموطنان مسافر، بیگناه و بی وسیله ما از سوی تروریستهای مسلح ( برادران حامد کرزی و دوستان نزدیک اشرف غنی) ربوده میشوند، بالای چندین قرارگاه نظامی کشور حملات گروهی انجام داده میشود، سر از تن ده ها فرزندان مادر وطن و مدافعان خاک افغانستان باز هم از سوی تروریستهای قسی القلب طالبی و داعشی جدا میشود، بالای گزینش مسوولان وزارتخانه ها یا اعضای کابینه، میان دو رهبر حکومت، اختلاف و کشمکش شرم آور ادامه می یابد، بیکاری و نا امنی و جنایت به اوج خود میرسد و بالاخره، وضعیت کاملاً

آشفته و دورنمای کاملاً تاریک پیش چشمِ باشنده های این سرزمین قد می افرازد و فریاد عموم را تا بامِ گردون میرساند.. مضحک تر و رسوا آمیزتر از همه اینکه تازه آقای غنی میخواید از گروه طالبان جانی که تاکنون به دستور بیگانه ها و به همکاری تنگاتنگ اجانب، مرتکب قتلِ هزاران انسانِ وطنِ ما گردیده و خساراتِ عظیمِ مادی و معنوی را متوجه زنده گی ملت و مملکتِ عزیز ما نموده اند، " عذرخواهی " فرماید. درحالیکه در سرتاسر جهان این قانون و این تعاملِ حقوقی و قضایی حاکم است که قاتلان، ویرانگران و وطنفروشان باید از جامعه طرد و طبق قانونِ نافذ مملکت مجازات شوند و یا اگر احياناً برخی از قاتلان و رهنان و گمراهان از اعمال و افکار نا روا و ضد انسانی شان نادم میشوند، باید نخست از افراد جامعه و بخصوص از قربانیان و یا ورثه های قربانیان دست خویش رسماً عذرخواهی کنند، آنهم تضمینی وجود نخواهد داشت که آیا پوزش خواهی یا عذرخواهی شان از جانب مقابل پذیرفته خواهد شد یا خیر؟

علاوتاً، حادثه خونین و المناکِ شهرکِ جُرمِ بدخشان که در جریان هفته رفته به وقوع پیوست، نه تنها یک بار دیگر مشتِ رهبرانِ حکومتِ به اصطلاح وحدتِ ملی را باز نمود، بلکه پرده از روی خیانت ها، سهل انگاریها، زد و بندهای سیاسی و همچنان بی پروایی مسوولانِ بلند رتبه در برابر خونِ فرزندانِ میهن برداشت. با حملات گروهی و شبانه تروریستهای صادر شده از خارج بالای چند قرارگاه امنیتی در شهرکِ جرمِ بدخشان، تعداد زیادی از سربازان و مدافعانِ این آب و خاک جان های شیرین شان را از کف دادند و سلاح های زیادی بدست تروریستها افتاد. این حادثه در حالی صورت گرفت که باساز گزارشهای مؤثق، وقوع آن قبلاً از سوی ارگانهای کشفی پیشبینی شده و به سمع مقام های بلند رتبه رسانیده شده بود و جالب این بود که در مدتِ بیشتر از پنج ساعت مقاومتِ نیروهای افغانی و تقاضا های مکرر آنها برای دریافت کُمک، باز هم کسی به داد شان نمیرسد تا به تعداد شصت نفر کشته و زخمی شده و تعدادی هم به اسارتِ تروریستها در می آیند. گزارشهای دیگر نیز

وجود دارند حاکی از آنکه خیانت از درون نیرو های امنیتی به سود تروریستها صورت گرفته است که بایستی جداً و دقیقاً مورد بررسی، تحقیق و پرسش قرار داده شود.

اینست حال زار دولت و ملت افغانستان و اینست نتیجه طمطراق ها، لافیدن ها و ادعاهای دو پادشاه در یک اقلیم که از شش ماه بدینسو ادامه دارد و اینست میراث شومی که از دوران زعامت سیزده ساله شخصی بنام حامد کرزی در مملکت ما بجا مانده است .

به برداشت من وبروفق خواست اکثریت مردم افغانستان، اکنون وقت آن فرا رسیده تا هر دو رهبر(رییس جمهور و رییس اجرائیه) هرچه زودتر استعفای شان از کرسی های اشغال شده را اعلام نموده لا اقل یک بخش از همت و خود گذری و خدمتگزاری شان را ( هرگاه وجود داشته باشد)، برای ملت افغانستان به نمایش بگذارند. (پایان)